

✦ خبر اول

انتشار تقریظ‌های رهبر انقلاب

تقریظ رهبر انقلاب بر سه کتاب «هواتو دارم»، «مجید بربری» و «بیست سال و سه روز» منتشر می‌شود. به گزارش ایلنا، همزمان با ۳۰ آبان روز «قهرمان ملی» و سالگرد پیروزی جبهه مقاومت و پایان سیطره داعش، مؤسسه پژوهشی- فرهنگی انقلاب اسلامی، «رویداد ملی قهرمان» و هفدهمین پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت را همراه با انتشار تقریظ‌های حضرت آیت‌الله العظمی‌خامنه‌ای بر سه کتاب مربوط به شهدای جبهه مقاومت با عناوین «هواتو دارم»، «مجید بربری» و «بیست سال و سه روز» برگزار خواهد کرد. «هواتو دارم» روایت زندگی شهید مدافع حرم مرتضی عبداللهی است که به قلم محمدرسول ملاسنی نوشته و منتشر شده است. «مجید بربری» به قلم کبری خدابخش روایتگر زندگی شهید مجید قربان‌خانی است که به خُر مدافعان حرم شهرت یافته و «بیست سال و سه روز» نیز زندگی شهید مدافع حرم سیدمصطفی موسوی را به قلم سمانه خاکبازان روایت می‌کند. این مراسم روز چهارشنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۳ با حضور خانواده‌های شهدا، خنیکان و اندیشمندان، فعالان فرهنگی و هنرمندان در فرهنگسرای بهمین تهران برگزار خواهد شد. هم‌زمان با این رویداد فرهنگی نیز مراسم‌هایی در ۳۰ استان کشور به صورت متّصل برگزار می‌شود که در آن‌ها از کتاب‌های مرتبط با قهرمانان جبهه‌مقاومت تقدیر خواهد شد.

✦ پرده نقره‌ای

جایزه جشنواره فیلم‌های ورزشی برای یک فیلم ایرانی

فیلم سینمایی «هوک» جایزه و نشان افتخار معتبرترین جشنواره فیلم‌های ورزشی جهان را دریافت کرد. به گزارش مهر، چهل و دومین جشنواره جهانی فیلم‌های ورزشی ۲۰۲۴ میلان ایتالیا جایزه و نشان افتخار این دوره خود در بخش فیلم داستانی بلند را به فیلم سینمایی «هوک» به کارگردانی حسین ریگی اهدا کرد. در این جشنواره فیلم‌های سینمایی «پرویز خان» به کارگردانی علی ثقفی، «هوک» به کارگردانی حسین ریگی، مستند «آژدها وارد می‌شود» به کارگردانی محمدحسین عباسی، مستند «باشگاه اندیشه» به کارگردانی جعفر صادقی و فیلم کوتاه «قم فوتبال» به کارگردانی شقایق آسیایی نمایندگان رسمی ایران بودند.

✦ صحنه

«من هم...» به روایت نیما دهقان

نمایش «من هم...» به نویسندگی آرش عباسی و کارگردانی نیما دهقان از امروز در تماشاخانه ایران‌شهر روی صحنه می‌رود. به گزارش هنرآلاین، اجرای نمایش «من هم...» به کارگردانی نیما دهقان و با بازی محمد ولیزادگان و دنیا نصر از ساعت ۲۱ امروز در سالن سمندریان تماشاخانه ایران‌شهر آغاز خواهد شد. داستان این نمایش درباره نویسنده معروفی است که روز رونمایی از آخرین کتابش ناخواسته با دختری ملاقات می‌کند و زندگی‌اش وارد بحرانی می‌شود که خارج شدن از آن بهایی سنگین برایش دارد.

✦ موسیقی

ارکستر موسیقی شش در تالار اندیشه

کنسرت ارکستر موسیقی شش بر رهبری علیرضا حاجی‌علی‌شیر در تالار اندیشه حوزه هنری برگزار می‌شود. به گزارش تسنیم، ارکستر موسیقی شش در روز هشتم آذر ۱۴۰۳ به رهبری علیرضا حاجی‌علی‌شیر و کنسرت مایستر دانیال جورابچی در تالار اندیشه به روی صحنه خواهد رفت. خوانندگان این اجرا حمید دهقان، مهدی افشار و مجتبی قیادی خواهند بود. این کنسرت پنجشنبه ۸ آذر ۱۴۰۳ در تالار اندیشه حوزه هنری برگزار خواهد شد.

✦ گالری

برپایی نمایشگاه عکس با یاد توران میرهادی

نمایشگاه «تمام ناتمام» با عکس‌های حمید نبوی معمار و عکاس در خانه هنرمندان ایران برپا خواهد شد. به گزارش ایسنا، این هفته نمایشگاه عکس‌های حمید نبوی معمار و عکاس در خانه هنرمندان ایران افتتاح می‌شود. این نمایشگاه با عنوان «تمام ناتمام» روز ۲۴ آبان ساعت ۱۷ در گالری زمستان افتتاح خواهد شد. این مجموعه منتخبی از عکس‌های حمید نبوی از اصفهان دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ است که برای نمایش آماده شده بود ولی با درگذشت او برگزاری نمایشگاه متوقف و حالا این نمایشگاه در آستانه روز اصفهان برگزار خواهد شد و درآمد حاصل از آن به یاد توران میرهادی به فرهنگنامه کودکان و نوجوانان اختصاص پیدا خواهد کرد.

✦ یادمان

برگزاری یادمان بخشی عیسی قلی‌پور



یادمان بخشی عیسی قلی‌پور به همت انجمن موسیقی ایران روز چهارشنبه ۲۳ آبان در سالن استاد شهنواز خانه هنرمندان برگزار می‌شود. به گزارش روابط عمومی انجمن موسیقی ایران، یادمان استاد و بخشی بنام مرحوم عیسی قلی‌پور- که از بزرگان و از بخشی‌های کرمانج خراسان بودند و متأسفانه ایشان را اواسط اردیبهشت‌ماه امسال از دست دادیم- با عنوان «شب بخشی» با حضور خانواده ایشان و علاقمندان به موسیقی فولکلور در خانه هنرمندان ایران برگزار خواهد شد. این برنامه قرار است به همت انجمن موسیقی ایران در روز ۲۳ آبان‌ماه، ساعت ۶ عصر با همکاری خانه موسیقی و خانه هنرمندان به یاد این خواننده و نوازنده بزرگ دوتار برگزار شود. استاد قلی‌پور که نشان درجه یک هنری نیز داشت بیش از ۶۰ سال در منطقه شمال خراسان به حرفه خنیاگری مشغول بودند. در این برنامه مستندی به کارگردانی علی‌عابدی نیز از زندگی بخشی عیسی قلی‌پور پخش خواهد شد.

فیلم سینمایی «نهنگ‌ها» درباره مهاجرت و مهاجرین افغانستانی از زبان کارگردان فیلم

روزی روزگاری ایران!

← کارگردان فیلم «نهنگ‌ها»: من ایرانی‌ام؛ اما مدام یادآوری می‌کنند که از ما نیستی!

✎ [**شهروند**] این روزها در شرایطی که بحث‌های عمومی در سطح اجتماع و رسانه‌ها درباره مهاجرین افغانستانی و بحث کلی مهاجرت اوج گرفته؛ یک فیلم

سینمایی به نام «نهنگ‌ها» روی پرده گروه فیلم‌های هنر و تجربه آمده که همین مسایلی اجتماعی را در قالب داستانی سینمایی به نمایش گذاشته است. فیلمی به کارگردانی غلامرضا جعفری که داستان یک خانواده افغانستانی را روایت می‌کند که در یک ویلا سرایدار هستند- و همین موقعیت کاری اتفاقات جالبی را برای‌شان به وجود می‌آورد که البته بی‌ارتباط با تصویر همیشگی فیلم‌های افغانستانی از فضای اجتماعی حاکم بر شهرهای ایران در قبال مهاجران افغانستانی نیست. «نهنگ‌ها» با بازی سوگل فلاطیان، وحید شیخ‌زاده، امیر زمستانی، شهرسادات موسوی، حسن مقصدوی و سحرناز عباس‌زاده که از اوایل آبان‌ماه روی پرده آمده؛ اگر چه در زمان کرونا تحت عنوان «روزی روزگاری ایران» جلوی دوربین رفته و حالا با چند سال تأخیر به نمایش درمی‌آید، اما به‌رغم همین فاصله زمانی نسبتاً طولانی هم که بین زمان تولید تا نمایش این فیلم وجود دارد، باز هم به نوعی با استقبال نسبی از سوی مخاطبان سینما و به خصوص سینمادوستان مهاجر مواجه شده است؛ با این‌که صحبت‌های رسانه‌ای کارگردانش- به عنوان مثال در ایلنا- درباره این‌که «وضعیت امروز مهاجران افغانستانی در ایران بهتر شده است»- حاشیه‌هایی را نیز در چند وقت اخیر متوجه او کرده است. به خصوص آن جایی که گفته اگر این فیلم را امروز می‌ساخت، قطعاً همدلی ایرانی‌ها و افغانستانی‌ها را بیشتر نشان می‌داد!

در ادامه صحبت‌های غلامرضا جعفری را در مورد این فیلم و البته وضعیت مهاجران افغانستانی در ایران می‌خوانیم:



جوسازی‌هایی هم شده‌اند. به عنوان مثال چندی پیش رسانه‌ها نوشته بودند در یک بیمارستان در کرج بیش از نیمی از زایمان‌ها مربوط به اتباع بوده-که چنین به‌نظر می‌آمدکه گویی ایران مملو از افغانستانی‌ها شده است. اما طبق پیگیری‌هایی که کردم، مشخص شد که این بیمارستان در منطقه‌ای است که افغانستانی‌ها در آن‌جا سکونت دارند و طبیعتاً فرزندان‌شان را هم در آن بیمارستان به دنیا می‌آورند و نباید این موضوع را به عنوان حضور حداکثری افغانستانی‌ها در شهر برداشت کرد. اما در پاسخ شما؛ به‌عنوان کسی که در ایران به دنیا آمده و تمام عمرم را هم در ایران بوده‌ام، باید بگویم که امروز وضعیت اجتماعی برای افغانستانی‌ها در ایران نسبت به گذشته کمی بهتر شده‌است.

✦ وضعیت و جایگاه اجتماعی مهاجران هم‌تاحدی بر این امر گواهی می‌دهد، نه؟

در گذشته این مسئله‌که یک افغانستانی به‌دانشگاه برود تقریباً غیرممکن بود؛ اما امروز وضعیت بهتر شده است. در واقع فکر می‌کنم حاکمیت هم به این نتیجه رسیده که اگر این افراد بی‌سواد باشند تبعات منفی بالایی دارد و قطعاً یک مهاجر باسواد بهتر از یک مهاجر بی‌سواد است. یا حتی خود من، این‌که به‌شخصه فیلم ساختم‌ام نشان می‌دهد که وضعیت امروز مهاجران بهتر است. البته هم‌چنان معضلاتی نیز در این میان وجود دارد که البته شاید طبیعی هم باشد چرا که هر کشوری برای مهاجرانی که به آنجا می‌روند باید قوانینی تعیین کنند و این قوانین در مواقعی می‌توانند دست و پاگیر هم باشند؛ مثلاً برای ثبت فیلمنامه در سامانه وزارت ارشاد باید کد ملی‌تان را وارد کنید و من چون کد ملی ندارم مجبور شدم فیلمنامه را به نام مادری‌که از دوستانم ثبت

✦ می‌توانید درباره این‌که «نهنگ‌ها» از کجا و تحت چه شرایطی در ذهن شما آغاز صحبت کنید؟ نقطه آغاز پیزنگ اصلی «نهنگ‌ها» یک ماجرای واقعی بود که در حوالی سال‌های ۸۰-۸۱ پیش آمده بود- و درباره یک مرد افغانستانی بود که شب عید، در حالی که همسرش هم روزهای آخر بارداری را می‌گذراند، دستگیر شده و به اردوگاه فرستاده شده بود. این نقطه آغاز این فیلم بود.

✦ یعنی از یک اتفاق واقعی، بدون هیچ تغییر و افزودن بار درماتیکی استفاده کردید؟

نه؛ برای اینکه قصه فیلم جذاب‌تر شود- و به‌خصوص به این دلیل که دلم می‌خواست مخاطب فیلم تنها افغانستانی‌ها نباشند- دو پیزنگ دیگر هم به‌خطرروایی فیلم اضافه کردم که البته در اصلاحات صورت گرفته این دو پیزنگ بسیار کم‌رنگ شد که البته بخشی از این مسئله به‌بی‌تجربه‌بودن من برمی‌گشت که نمی‌دانستم فیلمنامه‌ام را چ‌گونه معرفی کنم.

✦ این‌که اخیراً گفته‌اید برخورد با مهاجران افغانستانی نسبت به سال‌های گذشته بهتر شده‌است، حاشیه‌هایی را به‌وجود آورده‌است... من اصالتاً افغانستانی هستم، پدرم ۵۷ سال است که به ایران مهاجرت کرده و این را خوب به یاد می‌آورم که زمانی که در اواسط دهه ۶۰ به مدرسه ابتدایی می‌رفتم، در تمام مدرسه فقط من و برادرم اصالتاً افغانستانی بودیم، امروز اما این‌گونه نیست و در شهرهای مختلف کلونی‌هایی از افغان‌های مهاجر- مثلاً در دولت‌آباد اصفهان- به وجود آمده است. این کلونی‌ها که البته معمولاً در پایین شهرها هستند، باعث بروز

کنم. اما در کل کتمان نمی‌توان کرد که وضعیت اجتماعی افغانستانی‌ها در ایران بهتر از گذشته شده و در آینده بهتر از این هم خواهد شد.

✦✦✦ فکر می‌کنید سینما می‌تواند تأثیری بر بهتر شدن رابطه ایرانی‌ها و افغانستانی‌ها داشته باشد- یا داشته؟

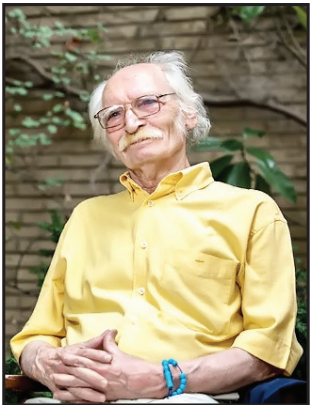
یکی از مضامینی که «نهنگ‌ها» دنبال می‌کند همین مسئله است. این فیلم در روزهای اول دوران کرونا ساخته شده که صحبت‌های ضد و نقیضی درباره آن وجود داشت. برای همین هم اگر امروز این فیلم را می‌ساختم قطعاً جور دیگری می‌ساختم و دوستی و همدلی‌ها را بیشتر نشان می‌دادم. البته در زمان ساخت فیلم هم قصدم روایت منصفانه بود و در فیلم هم شاهدیم که شخصیت ایرانی چقدر به خانواده افغانستان و زن باردار کمک می‌کند. این همدلی را من همواره شاهد بوده‌ام و حالا همین را در فیلمم هم نشان داده‌ام.

✦✦✦ انتقادی که از شماری از فیلمسازان افغانستانی وجود دارد، این است که با این‌که این جاق فیلم‌شان را می‌سازند، اما نگاه‌شان به ایرانی‌ها به شدت منفی و یک‌جانبه‌است. آیا «نهنگ‌ها»ی شما هم با چنین انتقاهی مواجه شده؟

نه؛ البته در کنار همدلی‌ها و همراهی‌هایی که نشان داده‌ام انتقادهایی هم مطرح کرده‌ام و البته این انتقاده‌ها را هم بر اساس خاطرات و اتفاقاتی که زیست کرده‌ام، روایت کرده‌ام. اتفاقاً این موج اخیر ضد مهاجرت را هم تا حدود زیادی درک می‌کنم و اگر بخواهم نظرم را بیان کنم باید بگویم که من هم بر این عقیده نیستم که نباید با مهاجرت‌های غیرقانونی مقابله شود. طبیعی است که هر کشوری برای جلوگیری از مهاجرت‌های غیرقانونی برنامه‌ریزی‌ها و محدودیت‌هایی دارد اما همین برنامه‌ریزی‌ها و محدودیت‌ها را هم می‌توان با شرایط بهتری انجام داد. من بیش از ۴۰ سال دارم و در ایران به دنیا آمده‌ام و خانواده‌ام جزو اولین افغانستانی‌هایی هستند که مهاجرت کرده‌اند و در این شرایط که پس از استقرار طالبان میزان مهاجرت‌ها افزایش پیدا کرده، نباید افغانستانی‌هایی که سال‌های سال در ایران بوده‌اند با دیگر افراد در یک دسته‌بندی قرار داده و یک برخورد داشته‌باشند. من تاکنون کابل را ندیده‌ام و خودم را ایرانی می‌دانم، اما فارغ از این حقیقت که این‌جا به دنیا آمده و این‌جا بزرگ شده‌ام، هر زمانی که به آن احساس عشق و تعلق سرزمینی دست می‌یابم، به شکل‌های مختلف به من یادآوری می‌شود که تو افغان هستی و جزوی از ما به حساب نمی‌آیی. این در حالی است که من اصلاً افغانستان را ندیده‌ام و نمی‌شناسم و همه‌اعتبارم را در ایران به دست آورده‌ام، اما گاهی مواقع آن قدر ادبیت می‌شوم که از سر لجبازی سعی می‌کنم این مسائل را منکر شوم!

عاشقانه‌های «هزار و یک شب» به روایت محمود دولت‌آبادی!

← گزارش ایسنا از اثر جدید نویسنده قدیمی



انتشار گزینی به‌عنوان کتاب بالینی است، خاطر‌نشان کرد: «این کتاب برای جوانان خوب است. بالاخره جوانان باید اندک‌اندک با ادبیات و فرهنگ منطقه آشنا شوند. صرفاً برای اینکه

بیشتر جنبه عاشقانه دارند. همچنین این داستان‌ها به شخصیت‌های موسیقی‌دان و موسیقی‌نواز دوران خلافت هارون‌الرشید و همچنین شخصیت‌های سیاسی و ایرانی آن دوره یعنی برمکیان پرداخته است. این داستان‌ها برایم جالب بود و طی سالیانی که این کتاب را می‌خواندم، به نظر من مناسب آمد که قصه‌ها یک‌جا منتشر شوند تا کسانی که حوصله خواندن این کتاب بزرگ را ندارند، در جریان قرار بگیرند. البته علاوه بر شخصیت‌های موسیقی‌دان و برمکیان، قصه‌های عاشقانه عجیب و غریب هم برایم جذاب بود؛ عشق و ابراز عشق از جانب زن‌ها به مردها.» دولت‌آبادی درباره اینکه هدفش

محمود دولت آبادی درباره کتاب جدید خود می‌گوید که «آورده‌اند که...» گزینی از قصه‌های «هزار و یک‌شب» است. این نویسنده نام‌آشنا درباره کتاب جدید خود که در انتشارات وزن دنیا منتشر خواهد شد، می‌گوید: «این قصه‌ها به‌رغم قصه‌های طولانی «هزارویک‌شب» که هر قصه در چندین شب خوانده می‌شود، قصه‌های کوتاه‌ی بوده و مناسب این است که آدم هر شب قصه‌ای را بخواند.» دولت‌آبادی درباره انتخاب داستان‌ها نیز می‌گوید: «جنبه‌های طنز و شوخی در این داستان‌های منتخب دیده می‌شود. این داستان‌ها

بالینی باشد، نبود. من گفتم این کتاب می‌تواند کتاب بالینی هم باشد.»

نویسنده «جای خالی سلوچ»، «کلیدر»، «طریق بسمل شدن» و «ینی آدم» درباره اینکه «هزار و یک شب» برای جوانان امروز چه چیزی دارد و آیا جوانان به دلیل آشنایی با زبان و ادب فارسی می‌توانند سراغش بروند یا بر اساس جنبه‌های انسانی قصه‌ها، می‌گویند: «موضوع قصه، انسان است. قصه جنبه‌های گوناگون دارد و بیشتر آشنایی جوانان با آن‌هاست. جوانان ما گرفتار اینترنت و شبکه‌های اجتماعی شده‌اند. این کتاب در واقع پیشنهادی ادبی در مقابل چیزهای فراوانی است که در اینترنت در دسترس جوانان است.»